

## ● نقد و معرفی کتاب

# پایان روند صلح اسلو و بعد از آن

Edward W. Said, *The End of the Peace Process: Oslo and After*; (London: Granta Books Publisher, 2000), 345pp.

این کتاب به صورت مجموعه مقالات است و از یک مقدمه و پنجاه مقاله که ادوارد سعید در طول سال‌های ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹ نوشته و به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه در روزنامه و مجلات مختلف از جمله روزنامه‌ی الحیات، لوموند، مجله نیوزویک، مجله آیزورر، هفته‌نامه الاهرام و ماهنامه لوموند دیپلماتیک چاپ شده‌اند، گردآوری کرده است. این مجموعه مقالات فقط توسط نویسنده جمع‌آوری و ویراستاری شده است. این کتاب دارای کتابنامه و فهرست مطالب عنوان شده در کتاب است. وی در بخشی از مقدمه چنین آورده است که دولت‌ها و رسانه‌ها توجه و انفری به معاهده صلح اسلو دارند. ولی به عقیده من این معاهده به یک صلح واقعی در زمان حال و در آینده منتهی نخواهد شد، زیرا اعراب و اسرائیل راه حل

کتاب پایان روند صلح اسلو و بعد از آن توسط ادوارد سعید نوشته شده است و وی یکی از محققان برجسته در زمینه مسائل جهان به‌ویژه خاورمیانه و فلسطین است. ادوارد سعید استاد زبان انگلیسی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه کلمبیا است. وی نویسنده هجده جلد کتاب از جمله شرق‌شناسی، فرهنگ و استعمارطلبی، مسأله فلسطین، سیاست تصرف، صلح و نارضایتی‌ها، دور از صلح، بعد از آخرین آسمان، تقصیر قربانیان، قلم و شمشیر است. هدف اصلی نویسنده از گردآوری این مقاله‌ها، ارائه نقطه‌نظرات و جزئیات بیشتر راجع به مسأله فلسطین که در نشریات خارجی - به‌خصوص نشریات ایالات متحده - کمتر به چشم می‌خورد، و نیز سعی در به تصویر کشیدن موفقیت یا شکست صلح اسلو است.

نظامی واقعی را ندارند و ممکن است در آینده مردم این دو کشور براساس برابری و حق تعیین سرنوشت و در همزیستی مسالمت‌آمیز با هم زندگی کنند.

وی در ادامه می‌نویسد: «باتوجه به آمارهای منتشر شده کشورهای خاورمیانه تقریباً ۶۰ درصد خرید تسلیحات بازارهای جهانی را به خود اختصاص داده‌اند؛ که اگر این امر به طور بی‌رویه ادامه یابد اعراب و نیز جامعه اسرائیلی نظامی می‌شود. در آن هنگام است که آزادی‌های دموکراتیک از بین می‌رود، ایجاد فرصت‌های آموزشی و کشاورزی کاهش می‌یابد و سطح زندگی شهروندان نسبت به سال ۱۹۴۸ پائین می‌آید. به‌زعم نویسنده بهال ۱۹۴۸، عصر تقسیم و جدایی‌هاست سالی که برای فلسطینی‌ها و ایرانی بدبختی و به قول خود فلسطینی‌ها - نکبأ - به‌دنبال داشت و اسرائیل ایجاد شد و جدا کردن ساکنان کشورهای همسان تحمیل شد. اسرائیلی‌های غیر یهودی یعنی فلسطینی‌ها ۲۰ درصد شهروندان این دولت را تشکیل می‌دهند. بنابراین دولت یهود کاملاً یک دولت یهودی به‌شمار نمی‌آید در این اثناء توافقنامه اسلو مطرح شد تا به اصطلاح تزلزل بنیان‌هایی را اصلاح کند. وی در ادامه متذکر می‌شود که اگر به تاریخ بنگریم همیشه بی‌ثباتی موجب بی‌اعتمادی شده است و اگر مردم احساس فقر و

ترس کنند، دیگر آن جامعه دموکراتیک نخواهد بود. نویسنده در ادامه تاریخچه مردم فلسطین را به تصویر می‌کشد و نتیجه‌گیری می‌کند که به رغم اینکه در طول تاریخ مردم فلسطین مشکلات زیادی را متحمل شده‌اند ولی رهبر فعلی فلسطینی‌ها سعی می‌کند که تاریخچه تراژدی مردم فلسطین را به منظور مساعدت با مشاوران اسرائیلی و امریکایی فراموش کند. مثالی که نویسنده در این مورد ذکر کرده است لغو نشست ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹ از سوی سازمان آزادیبخش فلسطین در ژنو بوده است. نویسنده در ادامه راجع به وضعیت پناهندگان بحث می‌کند و تعداد این پناهندگان را با توجه به آمار منتشر شده حداقل ۴ میلیون نفر ذکر می‌کند.

نویسنده کاملاً طرفدار صلح به همراه همزیستی مسالمت‌آمیز، ایجاد حق تعیین سرنوشت و برابری بین مردم فلسطین و اسرائیل در سرزمین موعود فلسطینی است و کاملاً با مخالفان صلح، مخالفت می‌کند. وی معتقد است «روند فعلی صلح اسلو» به صلاح جامعه است چرا که بسان حقیقتی است که باید با آن مواجه شد. به عقیده وی صلح بیرحمی‌های بیشتر رهبران را آشکار خواهد کرد.

در موافقتنامه اسلو ۲ مسأله مطرح شده است. اول «شناسایی رسمی متقابل» بین طرفین

این است که به نظر نمی‌رسد که باراک با همزیستی مسالمت‌آمیز و برابری بین فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها موافق باشد، او به صراحت گفت که آنچه که آنها می‌خواهند جدایی است نه همگرایی.

وی در بخش دیگر می‌نویسد: براساس برآوردی که اخیراً صورت گرفته است در فلسطین بیکاری به‌طور اسفباری نسبت به سال ۱۹۹۳ افزایش پیدا کرده است، تولید ناخالص ملی تقریباً تا نصف کاهش پیدا کرده است، رفتن مردم از یک بخش یا منطقه فلسطین به منطقه دیگر در مقایسه با همان سال بسیار مشکل شده است. در قدس (اورشلیم) این محدودیت‌ها بسیار شدید است، ۴۰ درصد از فلسطینی‌هایی که در ساحل غربی و غزه زندگی می‌کنند تقریباً آزاد به‌شمار می‌آیند. ولی به‌طور اسفباری بیشتر مردم فلسطین کار خود را از دست داده‌اند و استانداردهای زندگی بسیار کاهش پیدا کرده است. به عقیده وی خواست اسرائیل و ایالات متحده در حدی نیست که برای ما فلسطینی‌ها سمبل اقتدار مثل پرچم، حقوق پناهندگان و بازگشت آنها، خودکفایی اقتصادی و استقلال نسبی را تعیین کند.

وی در سال ۱۹۹۵، ۵ مقاله تحت

اسرائیلی و ساف و دوم اعلام اصولی که ترتیب برنامه‌های نقل و انتقال طرح شده است تا نیروهای اسرائیلی را از مناطق خاصی از ساحل غربی به غیر از بخش‌هایی از غزه و اریحا شوا<sup>۱</sup> خارج سازد. این توافقنامه به علت روبرو شدن با مسائل حادی - همچون (اورشلیم) مسأله قدس، پناهندگان، ساکنان مرزها و اقتدار - به تعویق افتاد. بعدها مذاکرات دیگری در مصر، تابا<sup>۲</sup> و هیرون تشکیل شد ولی به نتیجه‌ای نرسید.

موافقتنامه وی ریور در اکتبر سال ۱۹۹۸ امضاء شد که براساس این موافقتنامه به فلسطینی‌ها ۱۰ درصد زمین بیشتر تعلق می‌گرفت. ولی نتانیاهو هرگز با این عمل موافق نبود، او سعی می‌کرد تمام این توافقنامه را اصلاح کند ولی در مه ۱۹۹۹ او از اداره اسرائیل برکنار شد. ایهود باراک هنگامی که می‌خواست بر سر قدرت بیاید مصمم به ایجاد صلح بود ولی آنچه که از گذشته وی ذر دست است و با توجه به سخنانی که وی در گذشته گفته است. چنین به نظر می‌رسد که او نیز تقریباً همان سیاست‌های نتانیاهو را دنبال خواهد کرد. برای شخص باراک اورشلیم بدون هیچ دغدغه‌ای متعلق به اسرائیل است. بنابراین اگر این چنین باشد دیگر دولت فلسطین یک دولت مستقل نخواهد بود.

مشکل اصلی دیگری که وجود دارد

1. Jericho
2. Taba

بحران‌ها» و «چه کسی سخن می‌گوید» است، تمام این مقالات را ادوارد سعید در سال ۱۹۹۶ نوشته است.

تاریخ فلسطین در دنیای عرب و جهان غیرمتعهدها این است که آن آگاهی مردم را نسبت به درک بهتر گذشته افزایش دهد. به زعم نویسنده مردم فلسطین باید حرکت نلسون ماندلا را ببینند که چگونه علیه آپارتاید قیام کردند و از آن سرمشق بگیرند به عقیده وی آن به مفهوم بازگشت به بمباران، تهدید یا قربانی کردن مردم نیست بلکه آن ایجاد یک حرکت جدید در جهت صلح است و صلح به مفهوم زندگی مردم در یک شرایط برابر است. که فقط فلسطینی‌های دموکراتیک‌طلب و چند فرهنگی می‌توانند چنین حرکتی را درک کنند.

به عقیده نویسنده اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها تاریخ و تجربیات بسیار نزدیکی نسبت به هم دارند تنها چالش این است که باید روشی پیدا کرد تا آنها بتوانند با یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند همچون شهروندانی برابر در یک سرزمین بدون اینکه درگیری بین یهودیان و مسلمانان و مسیحیان پیش آید. نویسنده وظیفه اصلی و روشنفکرانه را مقایسه وجدان اسرائیلی با ادعاهای جدی سیاسی انسانی فلسطین‌ها می‌داند: چرا که این

عناوین «مرحله اول»، «چقدر و چه مدت»، «مذاکرات به کجا منتهی می‌شود»، «از اینجا به کجا خواهیم رفت» و «بازتاب‌های عملکرد بخش خصوصی» آورده است. نویسنده اظهار می‌دارد که: اولین مرحله تعیین مناطق اشغالی است که باید آزاد شوند. چنین روندی حقیقی است و برای اینکه آن را بدست بیاوریم باید آمادگی و بسیج کافی را در این زمینه داشته باشیم.

وی راجع به وضعیت زنان می‌نویسد: زنان در بدترین موقعیت اجتماعی قرار گرفته‌اند آنها هیچگونه آزادی راجع به اقتدار کشور خودشان ندارند.

در آخرین مقاله این سال وی راجع به اقتدار، منافع و امنیت فلسطینی‌ها و سرنوشت پناهندگان بحث می‌کند و معتقد است که مسأله پناهندگان موضوع حساسی است و باید توجه بیشتری بدان مبذول داشت.

فصل بعدی که متشکل از ۱۲ مقاله است عبارتند از «انتخابات، نهادها و دموکراسی»، «واقعیت‌های انتخاب گذشته»، «مبارزه با ترور اسلامی»، «مدرنیت، اطلاعات و دولت»، «قبول یا رد کامل»، «تئوری و عمل تحریم کتاب‌ها و عقاید»، «ملاقات وادی<sup>۱</sup>»، «قیام علیه اسلو»، «تعهد و مسؤولیت‌پذیری»، «ماندلا، نتانیاهو و عرفات»، «روشنفکران و

1. Wadie

برخی فرآیندها از قبیل فرهنگ‌های مختلف مردمان مختلف دوره‌های تاریخی گوناگون با یکدیگر است. و این امر درست نقطه مقابل نظریه هانتینگتون و پیروانش است.

نویسنده در مقاله بعدی به دو سؤال پاسخ داده است اولاً چرا دیربیین<sup>۱</sup> فراموش شده است؟ ثانیاً چرا سال ۱۹۴۸ از دستور کار صلح توسط رهبران فلسطین و متفکران برداشته شده است؟

در مقاله دیگر وی معتقد است که هر دو جناح (فلسطینی‌ها و اسرائیلی) تمایل به صلح واقعی دارند ولی بدون برابری و عدالت. اسرائیلی‌ها احساس می‌کنند که بعد از ۳۰ سال تفوق نظامی، آنها می‌توانند هر کاری را هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ انجام دهند. در حالی که فلسطینی‌ها به رغم ضعف رهبری‌شان از انقیاد دائمی اجتناب می‌ورزند. که در این صورت صلح پایدار و همزیستی حقیقی به وجود نخواهد آمد.

در مقاله بیست سوم نویسنده معتقد است که نسل جدید توانایی زندگی راحت در این محیط را دارند. و باید این نسل جدید حمایت شوند. زیرا که آنها دارای علم و بصیرت کافی نسبت به این قضیه هستند.

در مقاله تحت عنوان غرامت‌ها: قدرت

امر سبب توجه بیشتر فرهنگ، عقلانیت و اخلاق می‌گردد. و از طرف دیگر به عقیده نویسنده کنار گذاردن کسل تاریخ ضد - سامی‌گرایی به عنوان یک موضوع بی‌ربط اشتباه است. ما به عنوان یک فلسطینی و یک عرب سعی نکرده‌ایم که درباره این موضوع مهم مطالعات گسترده‌ای داشته باشیم. بنابراین ما نیاز به گفتمان‌های زیادی داریم. وی در ادامه در مورد این گفتمانها توضیح مفصلی داده است.

مقالات «مفهوم واقعی موافقتنامه

هیرون»، «استفاده از فرهنگ»، «عدم دقت»، «محتوای ملاقات امریکایی عرفات»، «سی سال بعد»، «ادامه بحث‌ها»، «نسل آینده»، «آیا محدودیت‌هایی برای بحران وجود ندارد»، «استراتژی امید»، «اصول همزیستی»، «عراق و بحران خاورمیانه» و «مردد بودن اسرائیل» را وی در سال ۱۹۹۷ نوشته است.

در مقاله اول این بخش به‌طور جامع راجع به موافقتنامه هیرون بحث کرده است. در مقاله بعدی وی ابتدا راجع به نظریه «برخورده تمدن‌ها» که هانتینگتون مدعی آن بوده، بحث می‌کند و سپس راجع به تفسیر مسائل سیاسی بحث می‌کند. وی نوشته است که هنر تفسیر این است که شخص بخواند، و دستاوردهای فرهنگ بشری را با دیگر فعالیت‌های بشر ارتباط دهد. به عقیده وی هدف از تفسیر، آموختن ارتباط

1. Dair yassin

بین‌بست‌ها: روش سوم»، «آخرین مرحله»، «پایان تزیینات مقدماتی» و «تحریک».

در اولین مقاله وی تاریخچه ۵۰ ساله مردم فلسطین را به تصویر می‌کشد. در مقاله بعدی نویسنده سؤالاتی را مطرح می‌کند و سپس به هر کدام از این سؤالات پاسخ می‌دهد. سؤالاتی همچون آیا اقتدار و وحدت ملی در این سرزمین بوجود می‌آید؟ آیا توسعه و دموکراسی در این سرزمین حاکم خواهد بود؟... در مقاله بعدی که تحت عنوان گالیور در خاورمیانه است، ابتدا به بحرانی که بین ایالات متحده و عراق وجود دارد اشاره می‌کند و آن را با داستان جاناتان سویت مقایسه می‌کند.

آخرین فصل این کتاب که در سال ۱۹۹۹ نوشته شده است شامل دو مقاله است: «خاطره ساحل غربی» و «حقیقت و آشتی» است.

فاطمه هادی‌وش

مرکز مطالعات حقوقی و بین‌المللی

و وجدان می‌نویسد: ما نیاز به یک استراتژی جدید از صلح داریم؛ صلح جدیدی که براساس برابری و توافق، عدالت و توسعه باشد طوری که بر روش اشتباهات گذشته سرپوش گذارد و آن فقط با گفتن بدست نمی‌آید و باید بدان عمل شود. جوانان این سرزمین باید به آینده بیندیشند. به عقیده نویسنده امروزه فلسطین و اسرائیل بر لبه پرتگاه قرار گرفته‌اند. مردم نگران دیدگاه‌های رهبران‌شان هستند ولی اسرائیلی‌ها با چالش‌های زیادی روبرو هستند. آنها باید هویت یهودی خودشان را تعیین کنند تا آنها بتوانند در آینده از زندگی خوب و ثمربخشی یا همزیستی مسالمت‌آمیز و برابری برخوردار باشند.

فصل بعدی که شامل مقالاتی است که نویسنده در سال ۱۹۹۸ نوشته عبارتند از: «فلسطینی و اسرائیل ۵۰ سال چشم‌انداز»، «مسأله ظلم»، «گالیور در خاورمیانه»، «تاریخ: واقعیت ساختاری»، «تصویری از فلسطین»، «پایان روند صلح یا شروع چیزی دیگر»، «هنر، فرهنگ و ناسیونالیسم»، «پنجاه سال تصرف»، «تاریخ جدید، ایده‌های گذشته»، «شکست